



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه وأشرفه بريته محمد وآله الطاهرين لاسيما بقية الله في الأرضين ولعنة الله على أعدائهم أجمعين.

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَزَنَةَ عِلْمِكَ، وَحَفَظْتَ دِينَكَ، وَخُلَفَاءَكَ فِي أَرْضِكَ، وَحُجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَطَهَّرْتَهُمْ مِنَ الرَّجْسِ وَالذَّنْسِ تَطْهِيراً بِإِرَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَالْمَسْلُوكَ إِلَى جَنَّتِكَ

اولاً مذاکره مطالب متعلق به اهل بیت علیهم الصلاة والسلام اجر بسیاری دارد.

ثانیاً یکی از فواید این مذاکرات، بلکه عمده فایده این مذاکرات این است که معرفت‌مان نسبت به اهل بیت علیهم الصلاة والسلام و ارادتمان و ایمانمان تقویت پیدا می‌کند.

و به طور کلی اگر خواستیم حالات کسی را بفهمیم، صفات او را مقامات او را بخواهیم به دست بیاوریم، بهترین راه این است که از خود او به دست بیاوریم.

وقتی کسی صادق باشد، راستگو باشد، حقیقت را بگوید، ما می‌خواهیم بدانیم که کجا درس خوانده است؟ استادش چه کسی بوده است؟ چند کتاب تألیف کرده است؟ و امثال ذلک از حالاتش، بهترین است که اگر او راستگو است و حقیقت را می‌گوید، از قول دیگران نشنویم و تا زمانی که ممکن است از خودش به دست بیاوریم.

چه کسی می‌تواند مقامات و مناقب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم الصلاة والسلام را برای ما بیان کند؟ چه کسی اولی از خود حضرت و آدری از خود حضرات ائمه علیهم الصلاة والسلام به حالاتشان و فضائلشان و مقاماتشان؟ این است که ما وظیفه داریم که دنبال تقویت معرفت‌مان باشیم با تقویت ایمانمان باشیم نسبت به حضرات ائمه و اهل بیت علیهم الصلاة والسلام. با بهترین راه این است که از خودشان بشنویم.

در این فراز از دعای روز عرفه، امام سجاد علیه الصلاة والسلام چند صفت و یا چند مقام برای ائمه علیهم الصلاة والسلام ذکر می‌کنند.

رَبِّ صَلِّ عَلَى أَطْيَابِ أَهْلِ بَيْتِهِ: در اینجا حضرت با خداوند متعال با عنوان رب سخن می‌گویند. از آن جهت است که مقام ربوبیت خداوند را تذکر می‌دهند. مقام ربوبیت، مقام بار آوردن خداوند متعال است. مقام تربیت الهی است. لذا در روایات داریم ادب‌نی ربی. فرمودند ادب‌نی الهی. این هم درست است ولی آنچه که مناسب است ادب‌نی ربی. زیرا در مقام بیان تربیت‌اند.



و یا در روایات اصول کافی داریم که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند و اهل بیت علیهم الصلاة والسلام راجع به رسول خدا فرموده‌اند: خداوند متعال تأدیب کرده است تربیت کرده است پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را به آن جوری که خواسته است. پس از اینکه تربیت شد فَوْضَ إِلَيْهِ تَفْوِیضُ أُمُورٍ تَفْوِیضُ أَحْكَامٍ بَعْدَ از تربیت و مهیا کردن پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است و به همین ترتیب ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام.

از نکته اینکه رب در اینجا فرمودند به تقدیر حرف ندا، فرمودند یا إلهی فرمودند اللهم، نکته‌اش چه بسا این باشد. رَبِّ صَلِّ عَلَيَّ أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِيَّهِ كَمَا أَطْيَبِ جَمْعَ أَطْيَبٍ، أَفَاضِلُ جَمْعِ أَفْضَلٍ، أَكْرَمُ جَمْعِ أَكْرَمٍ است. و چون اهل بیت علیهم الصلاة والسلام در این جهت مساوی هستند، باید بگوییم که أَطْيَبِ صَفْتِيَّهِ است که اضافه شده است به موصوف. أَطْيَبِ أَهْلِ بَيْتِيَّهِ.

از اینجا شروع می‌شود مطالبی حدود ۷ یا ۸ مطلب راجع به ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام دارند. الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكِ: اختیار در قرآن و روایات و اصطفا و اجتباء، این‌ها مفاهیمی هستند نزدیک به هم. از نظر معنا تقارب دارند.

ولی از آنجایی که قائل به ترادف نیستیم، لامحاله باید بین این مفاهیم تفاوتی وجود داشته باشد. ولو تفاوت دقیق. به نظر می‌رسد که مفهوم اختیار اخص باشد از اصطفا و اجتباء. و علی کل حال اختیار به معنای تقدیم شخص بر غیر است. و یا هر چیز دیگری انسان وقتی اختیار می‌کند کتابی را در بین کتب، و یا خانه‌ای را در بین خانه‌ها، و یا استادی را در بین اساتید، به نظرش مقدم داشته این فرد را سایر افراد.

در قرآن مجید این چنین آمده است: وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى. که از این آیه مبارکه استفاده می‌شود که: اختیار مقدمه است برای مخاطب قرار گرفتن برای وحی. وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى. در ما نحن فیه هم همینطور شده است: الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكِ. این‌ها را خداوند متعال مقدم داشته است بر دیگران برای امر خودش.

امر در قرآن مجید و روایات و لغت عرب، در معانی متعدده‌ای آمده است. و در علم اصول هم در ابتدای مبحث اوامر اشاره کردند به تعدد معانی امر.

اما مقصود در اینجا معنای خاصی است. که قرآن مجید فرموده است: أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ. اخْتَرْتَهُمْ لِأَمْرِكِ. این امر همان امری است که در آیه اطاعت آمده است. و آن عبارت است از: ولایت مطلقه، عبارت است از رئاست عامه.



خداوند متعال ائمه اهل بیت علیهم الصلاة والسلام را برای این جهت اختیار کرده است.

در سیره نبویه در احوالات پیغمبر اکرم آمده که: در مکه و اطراف مکه وقتی پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به طرف قبایل عرب تشریف می بردند، و روسای قبایل را به اسلام دعوت می کردند، در آنجا بعضی از رؤسای قبایل به پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گفتند: «أرأيتَ إن نحنُ بايعناكَ على أمرِكَ، ثمَّ أظْهَرَكَ اللهُ على مَنْ خَالَفَكَ، أَيْكونُ لنا الأمرُ من بعدِكَ؟» اگر ما با شما بیعت کردیم و شما پیروز شدید بر مخالفینتان، آیا بعد از شما امر به دست ما می افتد؟ قال: «الأمرُ إلى اللهِ يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ»، قال: فقالَ له: أَفتَهْدِفُ نَحورنا لِلْعَرَبِ دُونَكَ، فَإِذَا أَظْهَرَكَ اللهُ كانَ الأمرُ لغيرِنا! لا حاجةَ لنا بِأمرِكَ، فَأَبوا عَلَيْهِ. این امر است امر الهی است این ولایت عظمی است این خلافت کبری است. این ریاست عامه است. آنها توقع داشتند که اگر پیغمبر اکرم غالب شدند بر دیگران و مسلط شدند و پیروز شدند، آن وقت بعد از شما برای ما باشد ریاست. فرمودند: الأمرُ إلى اللهِ دست من هم نیست خلافت بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حتی دست خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم هم نیست. يَضَعُهُ حَيْثُ يَشَاءُ.

آنها چه گفتند؟ عجب ما شما را یاری کنیم از شما دفاع کنیم و جانمان را به خطر بیندازیم، اما بعد از شما ریاست دیگر برای ما نباشد؟! نخیر ما این کار را نمی کنیم. این همان امر است.

پس کتاباً و سنتاً معلوم شد که اخترتتھم للأمرک یعنی چه و اینکه چه مقامی است که خداوند متعال اختیار کرده از ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام را برای این مقام. اخترتتھم للأمرک.

و جعلتھم خزنة علمک: خزنة جمع خازن است. ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام خازن علم الهی هستند. علم خدا و علم رسول خدا نزد ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام است. آنها دارای این علم هستند.

و از آن طرف علم الهی را علوم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را حفظ می کنند از تلف شدن از ضایع شدن از بین رفتن. همچنان که مردم اموال قیمتی شان را اشیا نفیس شان را در یک جای محکمی نگهداری می کنند تا از بین نرود، علم الهی و علوم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نزد اهل بیت عصمت و طهارت علیهم الصلاة والسلام است.

شما می دانید علم اشرف امور است. چیزی شریف تر از علم ما نداریم. این از یک طرف. از طرفی هم علم خداوند متعال و رسول.

این چه شرفی است و این چه مقامی است که ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام دارا هستند؟



آیا با توجه به این جهت، عاقلی مقدم می‌دارد غیر اهل بیت را بر اهل بیت علیهم الصلاة والسلام؟ آیا با توجه به این جهت جایز است عندالعقلا مراجعه به غیر اهل بیت با وجود اهل بیت علیهم الصلاة والسلام؟ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این حدیث معروف و متواتر که: أنا مدینة العلم وعلیّ بابها. افاده کردند که باب علم الهی و علوم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منحصر است در امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام. اگر کسی می‌خواهد وارد این شهر شود که شهر علم است، از این در باید وارد شود. این از این جهت.

از جهت دیگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام فرموده‌اند: أنت تبین لأمتی ما اختلفوا فيه من بعدی اصلاً مرجعیت اهل بیت علیهم الصلاة والسلام از طرف خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. مرجعیت علمی اهل بیت علیهم الصلاة والسلام بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به نصب خود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بوده است. أنت تبین لأمتی ما اختلفوا فيه من بعدی. پس همه علوم اینجا است و اگر اختلافی پیدا شد برای رفع اختلاف، به اینجا باید مراجعه کنید.

حال حساب کنید و ببینید با توجه به این بیانات، امت چه کردند؟ و به چه وضعیتی افتادند؟ و این احادیث از احادیثی است که متفق علیه می‌باشد بین فریقین. این هم مقام دوم.

مقام سوم: وَ حَفَظَةَ دِينِك: اهل بیت عصمت و طهارت علیهم الصلاة والسلام حافظ دین الهی هستند. از تحریفات محرفین، از بدعت گذاری اهل بدعت، از هر نحوه زیاده و نقیصه در دین، اهل بیت عصمت و طهارت علیهم الصلاة والسلام محافظت کردند.

چه مقامی بالاتر از این؟ آیا می‌شود قیاس کرد کسی را که حافظ دین است، به کسی که بدعت‌گذار در دین است؟ تا چه برسد به مقدم داشتن آن بدعت‌گذار بر حافظ.

و دین الهی هم معلوم است که هم اصول و مبانی اعتقادی، و هم احکام و مسائل فرعی شرعی، و هم اخلاقیات این‌ها جزء دین هستند در اسلام. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ.

هم مبانی اعتقادی را از ائمه اطهار باید بگیریم، خداشناسی معادشناسی پیغمبرشناسی قرآن‌شناسی حلال و حرام و آداب و سنن و اخلاق، همه این‌ها را اهل بیت حافظ بوده‌اند و مرجعیت داشته‌اند در همه این امور.

و بعد: وَ خُلَفَاءُكَ فِي أَرْضِكَ: خلفای خداوند متعال‌اند.

خلفا یعنی چه؟ ما در فارسی می‌گوییم جانشین. خلیفه در فارسی یعنی جانشین.



مقصود از جانشین چه کسی است؟ مقصود از جانشین این است که: وقتی شخصیتی از جایی برخاست، نایب او جانشین او در آنجا می‌نشیند و خلاء را پر می‌کند. کأن خود او هست. معنای جانشین این است. که جانشین کسی است که همه کمالات آن فرد اصلی را دارد.

فرض کنید یکی از فرماندهان ارتش، جانشین دارد. این جانشین فرمانده همه کمالات آن فرمانده را دارد. و لذا همه مسئولیت‌های آن فرمانده را به عهده می‌گیرد. اگر در جنبه کمالات کمبودی وجود داشته باشد، قهراً نمی‌تواند متصدی همان مسئولیت‌هایی باشد که آن فرمانده به عهده دارد. معنای خلیفه این است در لغت عرب و عرف عام.

پس خلیفه کسی است که قائم مقام کسی می‌شود، نایب مناب کسی می‌شود، و اگر بنا بود خداوند متعال در جایی باشد، جسمی داشته باشد و بنا بود در جای مستقر باشد، جانشین خداوند متعال پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام هستند. آنها خلفای خداوند متعال‌اند.

و خلیفه علی الاطلاق طبق توضیحاتی که عرض کردم باید واجد جمیع کمالات و صفات و ملکات آن مستخلف عنه باشد یا مستخلف. همه صفاتی که او داشته باید او هم داشته باشد تا بشود جانشین او.

از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایات فریقین این سؤال شده به سندهای معتبر: اعداد خلفا بعد از شما چقدر است؟ حضرت فرمودند اثنی عشر به اعداد نقباء بنی اسرائیل. عدد هم معین شده است. پس اهل بیت علیهم الصلاة والسلام اند و عددشان هم مشخص است. واجد این کمالات، واجد این ملکات.

و حَجَجَكَ عَلَى عِبَادِكَ: ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام حجت‌های خداوند متعال هستند بر بندگان.

در اینجا باید توجه کنیم به اصل حکمت خلقت. اساساً حکمت خلقت چه بوده است؟ خود قرآن چه می‌فرماید؟ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ جن و انس مکلف به عبادت خداوند متعال خلق شده‌اند و عبادت فرع معرفت است. اگر معرفت نباشد عبادت تحقق پیدا نمی‌کند.

بنابراین ما معلمی می‌خواهیم برای کیفیت عبادت، و معرفی می‌خواهیم برای معبود سبحانه و تعالی.

معرف خداوند متعال در این عالم کیست؟ و معلم عباد در بشریت چه کسی است؟ آن کسی است که حجت خداست بر این مردم. یعنی چه حجت خداست؟

یعنی اگر این مردم کوتاهی کنند در معرفت یا کوتاهی کنند در بندگی و اطاعت و عبادت، این‌ها مؤاخذه خواهند شد. و به وجود امام علیه الصلاة والسلام فی ما بینشان خداوند متعال احتجاج خواهد کرد.



مگر پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در بین شما نبود؟ مگر امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام در بین شما نبود؟ مگر امام صادق علیه الصلاة والسلام در بین شما نبود؟ چرا در معرفت کوتاهی؟ چرا در عبادت و بندگی کوتاهی؟ احتجاج می‌کند خداوند متعال به ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام در برابر امت.

نصب امام بعد النبی کما اینکه ارسال رسل و نصب انبیاء از جانب خداوند متعال، همه این‌ها به لطف خداوند متعال است. چرا؟ خود قرآن می‌گوید: لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل. اگر نبی نباشد و یا در زمانی امامی وجود نداشته باشد، و امت کوتاهی کنند، امت می‌توانند به خداوند متعال بگویند: خدایا کسی نبود ما را یاد بدهد. نبود کسی که ما را راهنمایی کند. ولكن: لئلا یكون للناس علی الله حجة بعد الرسل. بعد از انبیاء و رسل و اوصیاء دیگر حجتی برای مردم باقی نمانده است. حجت از ناحیه خداوند متعال تمام شده است. و حججک علی عبادک.

و دیگر: و طهرتھم من الرجس و الدنس تطهیراً بإرادتک. این فراز اشاره دارد به آیه تطهیر که در آیه تطهیر خطاب شده است به اهل بیت علیهم الصلاة والسلام با لفظ انما یرید الله اراده خداوند تعلق گرفته که اهل بیت علیهم الصلاة والسلام را تطهیر کند من الرجس و الدنس. اهل بیته که مطهرند به اراده خداوند متعال از همه آنچه که قبیح است، از همه آنچه که پلید است، از همه آنچه که نقص است، خداوند متعال اراده کرده است اهل بیت علیهم الصلاة والسلام را مبرا کند و مطهر کند. این آیه مبارکه دلالت دارد بر عصمت اهل بیت علیهم الصلاة والسلام.

با این دلالت واضح، چگونه می‌شود ادعا کرد که ازواج رسول الله مخاطبند در این آیه شریفه؟ و یا داخل‌اند در عنوان اهل بیت؟ ازواج که کسی برای آنها ادعای طهارت نکرده است!! خودشان برای خودشان ادعای طهارت نکردند. برخی از ازواج مرتکب گناہانی شدند.

هرگز آیه تطهیر ربطی به ازواج پیغمبر اکرم ندارد. و بزرگان ما در این جهت بالخصوص کتاب‌ها و مباحثی به طور مفصل دارند بزرگان علما از سابقین تا لاحقین و بنده کوچک در این زمینه مباحثی دارم که چاپ شده است. آقای تطهیر هرگز ربطی به ازواج رسول الله ندارد. نه مستقلاً و نه مشارکاً با اهل بیت علیهم الصلاة والسلام. یک خارجی گمراه به نام عکرمة یه حرفی زد که او جز خوارج است. چگونه می‌شود تمسک کنیم و استدلال کنیم به حرف کسی که از دشمنان بزرگ اهل بیت است، در تفسیر قرآن کریم؟

و علی ای حال در رابطه با آیه تطهیر باید مراجعه به کتب شود. به آن مقداری که لازم بود اشاره کردم. بعد می‌فرمایند: وَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَيْكَ، وَ الْمَسْلُكُ إِلَي جَنَّتِكَ: خداوند متعال ائمه اطهار علیهم الصلاة والسلام را وسیله قرارداده برای رسیدن به خدا. این‌ها را راه قرار داده برای رسیدن به بهشت. و نجات در آخرت.



این یک واقعیت است که آنهایی که از این مسیر حرکت کنند کسانی که بر طریق اهل بیت علیهم الصلاة والسلام سیر کنند، و از اینجا به راه بیافتند، امید این است که اینها به هدفشان برسند. و الا راه دیگری در کنار این راه که در جلسه گذشته عرض کردم وجود دارد آن راه شیطان است.

ما دو راه بیشتر نداریم: یک راه وصول الی الله و نجات در آخرت است چراغ پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم الصلاة والسلام است.

به جز این راه یک راه دیگر که وجود دارد و یا هر راه دیگری که آن راه دیگر انشعاباتی داشته باشد، همه آن راهها راه گمراهی و ضلالت است.

ما باید اهل بیت علیهم الصلاة والسلام را بشناسیم. راهشان را پیدا کنیم. در راهشان قدم برداریم. حرکت کنیم. در هر آن هم بایستی از آنها کمک بگیریم. نه این است که اگر راه را پیدا کردیم و حرکت کردیم، دیگر کافی باشد. نه. در مسیر در هر قدمی که برمی داریم، برای وصول الی الله و دخول فی الجنة، آناً فاناً احتیاج به راهنما داریم در این راه که راهنما خودشان هستند.

این راهی است که خداوند متعال قرار داده و جَعَلَتْهُمْ. این جعل توسط خداوند متعال صورت گرفته. و اگر غیر از این راهی بود خداوند متعال آن راه را قرار می داد. قهراً هر آنچه که در مسیر اهل بیت علیهم الصلاة والسلام باشد و در این مسیر قدم بردارد و از راهنمایی های آنها کمک بگیرد، امید این است که به هدف برسد.

این امریست که امام سجاد علیه الصلاة والسلام مقرر می دارند و با این بیان فرمودند. که البته توضیح بیشتری هم می تواند داشته باشد. اما به آنچه که عرض کردم اکتفا می کنم.

اجمالاً هیچ راهی برای رسیدن به معارف الهی، هیچ راهی برای شناختن مبدأ و معاد، هیچ راهی برای نجات در آخرت، به جز راه پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم الصلاة والسلام وجود ندارد.

کسی اشتباه نکند. کسی به سراغ این و آن نرود. با وجود اهل بیت علیهم الصلاة والسلام اشتباه بسیار بزرگیست خطای بسیار عظیمیست رفتن به سراغ دیگران.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته